

۱۹۷۵ الجزایر در مورد آروندرد. صدام مجبور به پذیرش این معاهده شد که مرزها را به نفع ایران تنظیم می‌کرد. پیام تشکر آیت‌الله خاмене‌ای در همان زمان که اخیراً توسط ولایتی بازنشر شده، این موفقیت را برجسته می‌کند: «جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم امور خارجه دامت تالیله‌ها، اکنون که جنابعالی پس از توفیق در تلاش‌های فشرده و مجاهدت‌آمیز در مورد پیشرفت روند صلح با کشور عراق و حفظ حقوق حقه ملت ایران عازم آن کشور می‌باشید لازم می‌دانم حق شناسی و قدردانی خود را نسبت به یکایک برادران ارجمندی که در وزارت خارجه با تلاش و ابتکار و اخلاص هوشمندانه خود در یکی از مقاطع حساس و خطیر تاریخ ایران به ملت و کشور خود خدمتی ماندگار و بزرگ کردند و دین خود را به اسلام و انقلاب ادا نمودند ابراز نمایم.»

این موفقیت در شرایطی حاصل شد که برخی مقامات داخلی، مانند یکی از مقامات که بعداً رئیس جمهور شد، در توانایی ایران برای تحمیل معاهده ۱۹۷۵ به صدام تردید داشتند، اما وزیر خارجه وقت موفق به انجام این کار شد. این مذاکره درس مهمی برای امروز دارد. در فضای پساجنگ ۱۲ روزه با رژیم صهیونیستی، جایی که ایران قدرت آفندی خود را نشان داده، دیپلماسی باید این پیروزی را به امتیازات پایدار تبدیل کند نه اینکه همچون آن مقام سابق که در توان ایران در تحمیل قطعه‌نامه ۵۹۸ شکبک کرد، با تصوری از پیش بازنده در مورد توانایی ایران، هرگونه امکان پیروزی در میدان دیپلماسی را نفی کند.

شکست دیپلماتیک درمیان سهل انگاری‌های عجولانه

توافق برجاد در سال ۹۴ منعقد شد، اما به‌سرعت به یکی از نمونه‌های شکست خورده مذاکرات تبدیل گردید. توان ملی ایران در این دوره نسبتاً خوب بود؛ مردم با امید به بهبود اقتصادی از مذاکرات حمایت کردند. توان آفندی ایران قوی بود؛ هم‌زمان با پیشرفت‌های موشکی، ایران توانسته بود بازوی عملیاتی آمریکا در منطقه یعنی گروه‌های تروریستی همچون داعش را تا حد زیادی مهار کند. اما ضعف اصلی در توان دیپلماتیک بود. تیم مذاکره‌کننده، به رهبری محمدجواد ظریف، در جزئیات کلیدی شکست خورد. اگر در مذاکرات برجام هوشمندی به خرج می‌دادیم، نباید مکانیسم ماشه به این صورت می‌بود که برای تداوم تعلیق قطعه‌نامه‌های ضدایرانی قطعه‌نامه دیگری صادر شود، چون در این صورت حتی اگر قطعه‌نامه رأی می‌آورد، باز هم کشورهای غربی قدرت وتی آن را داشتند و در این حالت ابزار وتوی چین و روسیه به درد ما نمی‌خورد. شیوه‌درست این بود که اصل بر تداوم تعلیق تحریم‌های می‌بود و در مذاکرات این را منقح می‌کردیم که در صورتی که کسی بخواهد مکانیسم را فعال کند، باید در مورد توقف این تعلیق قطعه‌نامه صادر کند که در این صورت حق وتو به نفع ما عمل می‌کرد، چون اگر حتی در شورای امنیت رأی می‌آورد، باز هم چین و روسیه قدرت وتوی آن را داشتند. نمونه دیگری از سهل انگاری، اضافه‌شدن کلمه «تعلیق» در مورد تحریم‌های اروپا در ضمیمه برجام است. ظرف این راه‌برفرانتسکو، کارشناس اتحادیه اروپایی، نسبت داد بدون اینکه فرد خاطی را معرفی کند، توجیه کرد که کارشناس ایرانی در لحظات پایانی این تغییر در متن برجام را پذیرفته و به دلیل کمبود وقت آن را به اعضای اصلی مذاکره‌کننده اطلاع نداده بود. اما حمید بعیدلی ژاد، عضو تیم وقت مذاکره‌کننده ایرانی، اخیراً در مصاحبه‌ای اعتراف کرد: «فرانتسکو کلمه تعلیق را پیشنهاد داد که در یک پانویس در ضمایم بیاوریم. تعلیق نه به آنجه که در فارسی تعریف می‌شود، خیلی به کلمه استفاده‌شده توجه نکردیم و به ظرفی هم اطلاع ندادیم.» این عدم توجه به جزئیات، برجام را آسیب‌پذیر کرد. خروج ترامپ در ۲۰۱۸ تحریم‌ها را بازگرداند و نشان داد که مذاکره بدون تضمین‌های محکم، شکست می‌خورد.

دنیای

همهٔ مذاکرات ایرانی‌ها مثل برجام نبوده است؛ ماجرای تقدیررهبری از تیم مذاکره‌کنندهٔ ۵۹۸ چه بود؟

دیپلماسی ایرانی؛ از ارزروم تا ۵۹۸



دیپلماسی هوشمند در برابر قدرت

یکی از درخشان‌ترین نمونه‌های مذاکرات موفق در تاریخ معاصر ایران، بحران آذربایجان در ۱۹۴۶ است که تحت رهبری احمد قوام السلطنه، نخست‌وزیر وقت، به نتیجه رسید. این بحران پس از جنگ جهانی دوم رخ داد؛ زمانی که نیروهای شوروی شمال آذربایجان ایران را اشغال کرده بودند و دولت‌های دست‌نشانده‌ای مانند جمهوری مهاباد و آذربایجان دموکراتیک ایجاد کرده بودند. احمد قوام السلطنه با سفر به مسکو و مذاکره مستقیم با استالین، توانست شوروی را متقاعد کند تا نیروهایش را خارج کند. قوام از تاکتیک‌های هوشمندانه‌ای مانند وعده امتیازات نفتی استفاده کرد، اما بعداً مجلس ایران این وعده‌ها را رد کرد. این مذاکره در س‌ازمان ملل نیز پیگیری شد، جایی که ایران با حمایت آمریکا، قطعه‌نامه‌ای برای خروج بشوروی تصویب کرد. توان آفندی ایران محدود بود، اما هوشمندی دیپلماتیک به یاری ایران آمد. نتیجه این بود که شوروی در مه ۱۹۴۶ نیروهایش را خارج کرد و بحران پایان یافت. این مذاکره نمونه‌ای است از اینکه چگونه دیپلماسی هوشمند می‌تواند بدون جنگ، پیروزی به ارمغان بیاورد.

پیروزی دیپلماتیک پس از جنگ طولانی

قطعه‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۶۶ تصویب شد و در همان سال توسط ایران پذیرفته شد که به پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق منجر گردید. این مذاکره یکی از موفق‌ترین موارد در تاریخ ایران است، جایی که هر سه عامل قدرت در سطح بالایی عمل کردند. توان ملی در اوج بود؛ مردم ایران با انسجام اجتماعی بی‌نظیر، از جبهه‌ها حمایت کردند و روحیه مقاومت را حفظ نمودند. این همبستگی اجازه‌داد تا ایران هشت سال در برابر تهاجم صدام حسین مقاومت کند، در حالی که صدام انتظار پیروزی سریع داشت. توان آفندی ایران برجسته بود؛ نیروهای ایرانی با عملیات‌های متعدد توانسته بودند خاک خود را حفظ کنند و حتی به خاک عراق نفوذ کنند. این قدرت نظامی، صدام را مجبور به پذیرش شرایط کرد. توان دیپلماتیک نیز درخشان بود؛ علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه، با تلاش‌های فشرده، توانست قطعه‌نامه‌ای به دست آورد که حقوق ایران را به رسمیت بشناسد، از جمله بازگشت به معاهده

فشارهای اروپایی به ایران اجازه‌داد تا از موضع از پیش باخته مذاکره نکند. امریکبیر با هوشمندی، از این ضعف بهره برد.

نمادی از ضعف همه‌جانبه

معاهدات گلستان و ترکمانچای یا «پرتویروسی» نمونه‌ای از مذاکرات شکست‌خورده در تاریخ معاصر ایران است. این معاهدات در اوایل قرن نوزدهم منعقد شدند و بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های شمالی ایران را از دست دادند. جنگ اول از ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳ و جنگ دوم از ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ روی داد. در این دوران، ایران تحت حاکمیت قاجارهارا قرار داشت؛ سلسله‌ای که با مشکلات داخلی متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. توان ملی در این دوره ضعیف بود؛ مردم ایران، که عمدتاً کشاورز و عشایر بودند، فاقد حس همبستگی ملی مدرن بودند و بیشتر به وفاداری‌های محلی وابسته بودند. این عدم انسجام اجتماعی اجازه‌ت می‌داد تا یک جبهه متحد علیه تهاجم خارجی تشکیل شود. علاوه بر این، اقتصاد ایران نیز فاقد منابع مالی کافی برای حمایت از یک جنگ طولانی مدت بود و هم‌زمان منابع محدود نیز به دلیل خوشگذرانی دربار و سفرهای اروپایی به هدر می‌رفت. ایرانی‌ها علی‌رغم تلاش‌هایشان، فاقد تجربه و ابزارهای لازم برای مقابله با روسیه بودند. روسیه در آن زمان یک قدرت امپراتوری در حال گسترش بود. مذاکرات گلستان در ۱۸۱۳ در روستایی به همین نام در قفقاز جنوبی انجام شد. ایران مجبور شد مناطق وسیعی از جمله گرجستان، داغستان و بخش‌هایی از آذربایجان را واگذارد کند. همچنین، روسیه حق کشتیرانی انحصاری در دریای خزر را به دست آورد. تنها پنج سال بعد، در ۱۸۲۸، معاهده ترکمانچای امضا شد که ایران را ملزم به پرداخت غرامت سنگین معادل ۲۰ میلیون روبل به روسیه کرد و در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومتر مربع دیگر شامل حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از ارمنستان امروزی، حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از ترکیه امروزی و حدود ۵ هزار کیلومتر مربع از جمهوری آذربایجان امروزی، از جمله «نخجوان»، از ایران جدا شدند. توان آفندی ایران در این دوره‌ها به شدت محدود بود. ارتش ایران مشکل از نیروهای نامنظم و فاقد تجهیزات مدرن بود، در حالی که روسیه از توپخانه پیشرفته و استراتژی‌های نظامی اروپایی بهره می‌برد. شکست در میدان جنگ مستقیماً به شکست در میز مذاکره منجر شد. این معاهدات نمونه‌ای از مذاکراتی هستند که در غیاب هر سه عامل قدرت، به دست دادن سرزمین و استقلال منجر می‌شوند.

دنیای

آخرین گمانه‌زنی از تحرکات دیپلماتیک عراقچی در نیویورک

راند جدید مذاکره با بدعهدها

با توانمندی دفاعی در برابر تهدیدات، تمرکز داشت.

عراقچی در حاشیه این نشست، شب گذشته دور جدیدی از رایزنی‌ها با همتایان سه کشور اروپایی آلمان (یوهان وادفول)، فرانسه (ژان لود بارلو) و انگلیس (دیوید لمی) و کاپا کالاس، نماینده عالی اتحادیه اروپا را آغاز کرد. او همچنین دیدارهای دو جانبه متعددی با وزیر خارجه اتریش (بیته ماینل رایزنیگر)، سودان (محی الدین سالم احمد)، عمان (سید بدر البوسعیدی)، لهستان (آدوسلاو سیکورسکی)، مصر (بدر عبدالعاطی)، سوئد (مایا مالمر استترگارد) و فنلاند (الینا الوتوئن) برگزار کرد. وی همچنین با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیدار کرد تا درباره آخرین وضعیت برنامه هسته‌ای ایران، همکاری با آژانس و مکانیسم اسنپ‌ک گفت‌وگو کند. عراقچی هشدار داد که عملیاتی شدن اسنپ‌ک توسط سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان) توافق با آژانس را بی‌اعتبار خواهد کرد و ایران با شرایط جدیدی مواجه خواهد شد. او بر دیپلماسی محترمانه به جای فشار و تهدید تأکید کرد و آمادگی ایران برای راه‌حل دیپلماتیک مبتنی بر منافع ملی و دغدغه‌های امنیتی را اعلام داشت.

پزشکیان با سران اروپا دیدار می‌کند؟

علاوه بر سخنرانی اصلی، برنامه سفر پزشکیان شامل مجموعه‌ای از دیدارها و رایزنی‌های دیپلماتیک است. رئیس جمهور با رؤسای جمهور و نخست‌وزیران کشورهای مختلف ملاقات خواهد کرد و همچنین گفت‌وگویی با دبیرکل سازمان ملل متحد، آنتونیو گوترش، در دستور کار قرار دارد. این دیدارها که اغلب در حاشیه نشست‌های مجمع عمومی رخ می‌دهند، فرصتی برای تبادل نظر در مورد مسائل جهانی و امنیت منطقه‌ای و حقوق بشر فراهم می‌کنند. احتمال دیدار پزشکیان با امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه تقریباً قطعی است. دیدارهای دیگر سران ترویکا و بحث درباره اسنپ‌ک و مسائل هسته‌ای نیز با ااست.

پزشکیان همچنین احتمالاً در حاشیه سفر یک هفته‌ای خود به آمریکا، نشست‌هایی با اندیشکده‌های آمریکایی و بین‌المللی، مجامع ایرانیان مقیم آمریکا و برخی گروه‌های مدنی خواهد داشت. این نشست‌ها فرصتی برای تعامل مستقیم با نخبگان فکری و جامعه ایرانی خارج از کشور فراهم می‌کنند. ایرانیان مقیم آمریکا که تعدادشان به بیش از یک میلیون نفر می‌رسد، می‌توانند نقش مهمی در انتقال پیام‌های فرهنگی ایران ایفا کنند. دولت چهاردهم تا اینجا کار توجه زیادی به ایرانیان مقیم کشورهای خارجی داشته و برای ارتباط با افکار عمومی بین‌المللی نیز اهمیت ویژه‌ای قائل است. تیم همراه رئیس‌جمهور نیز موظف است منافع ملی ایران را در این سفر حفظ کند. از میان همراهان احتمالی، نام‌هایی مانند علی حاجی میرزایی (رئیس دفتر رئیس‌جمهور)، سیدمحمد طباطبایی (معاون اطلاع‌رسانی دفتر ریاست‌جمهوری)، مهدی سنایی (مشاور سیاسی رئیس‌جمهور)، سیدعباس موسوی (معاون تشریفات نهاد ریاست‌جمهوری) به چشم می‌خورد. این افراد در حوزه‌های اداری، رسانه‌ای،

هم‌زمان با سفسر رئیس‌جمهور به نیویورک برای سخنرانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل برخی با عملیات روانی علیه رئیس‌جمهور بدون اینکه ابده‌ای داشته باشند خواهان دیدار مستقیم رئیس‌جمهور و ترامپ هستند. در این میان علی اکبر ولایتی، مشاور و رهبر انقلاب در امور بین الملل متن پیام تشکر ی را منتشر کرد که رهبر انقلاب سال ۶۹ به دلیل موفقیت تیم مذاکره‌کننده ایرانی در تحقق آتش‌بس و تحمیل قطعه‌نامه ۱۹۷۵ به دولت بعث خطاب به وزارت خارجه ایران و رئیس‌جمهور وقت منتشر کرده بودند. این متن بار دیگر رویکرد عقلانی ایران در استفاده از دیپلماسی به عنوان ابزار تحقق منافع ملی را اثبات می‌کند. آنچه اما مورد بحث است نحوه استفاده از این ابزار در جهت نقد کردن مولفه‌های قدرت ایران است.

اگرچه مذاکره با ترامپ در شرایطی که آمریکا روی میز مذاکره بمب‌انداخته و در آستانه دور هشتم مذاکرات غیرمستقیم در عمان جنگ ۱۲ روزه را به ایران تحمیل کرده است کارکردی جز عکس تبلیغاتی برای ترامپ ندارد و توصیه‌کنندگان به مذاکره مستقیم نیز ایده پیش‌برنده‌ای برای بعد از تشکیل میز مذاکره ندارند اما به هر حال انتقال پیام بین ایران و آمریکا مطابق گفته وزیر خارجه همچنان وجود دارد و قرار است در نیویورک نیز مذاکرات غیرمستقیم با ترویکا اروپایی با هدف جلوگیری از فعال‌سازی مکانیسم ماشه صورت گیرد. تداوم دیپلماسی بهانه خوبی است برای مرور سابقه طولانی مسیر مذاکره در تاریخ ایران که پر از فراز و نشیب بوده است. توان ملی، توان دیپلماتیک و توان آفندی ۳ مولفه قدرتی هستند که وجود و عدم وجود هر یک از آن‌ها در دوره‌های مختلف عامل این فراز و فرود بوده است. در فضای فعلی اما ایران از دل یک جنگ ۱۲ روزه باتکیه بر توان آفندی و انسجام اجتماعی پیروز بیرون آمده و هر میدان مذاکره‌ای اگر قرار باشد شکل بگیرد مولفه سوم یعنی دیپلماسی باید با استفاده از این اهرم‌ها و مرور تجربه‌های تاریخی از انفعال در مذاکره جلوگیری کند.

پیروزی ازل ضعف دشمن

در اوایل سده نوزدهم، حملات عثمانی به شمال غربی ایران واکنش نظامی ایران را برانگیخت. در سال ۱۲۹۸ ه‍.ق سلطان محمود دوم عثمانی با ارتشی قدرتمند به ایران حمله کرد، اما ارتش فتحعلی شاه قاجار توانست این تهاجم را مهار کند. در ۱۲۳۸ ه‍.ق عهدنامه‌ای امضا شد که مرزهای تعیین‌شده در معاهده قصر شیرین (۱۶۳۹) را تثبیت کرد، اما نتوانست اختلافات مرزی را به طور کامل حل کند. تا اواخر دوره محمدشاه قاجار، مذاکرات جدی در باره مرزها انجام نشد تا اینکه در سال ۱۲۵۳ ه‍.ق، هم‌زمان با محاصره هرات توسط ایران، علیرضا پاشا، والی عثمانی با غارت خرمشهر و ادعای مالکیت بر آن، تنش‌ها را شعله‌ور کرد. این رویداد نزدیک بود به جنگی جدید منجر شود، اما هوشمندی امریکبیر پای‌روسیه و انگلیس که به دنبال مهار قدرت عثمانی بودند به عنوان میانجی به مذاکرات باز شد. کمسیونر مشکل از نمایندگان ایران، عثمانی، روسیه و انگلیس در ارزروم تشکیل شد تا اختلافات، از جمله ادعای خسارت پنج کروری ایران بابت خرمشهر را حل کنند. ایران میرزا قلی‌خان (امیرکبیر بعدی) و عثمانی انور آفندی را به عنوان نمایندگان خود برگزیدند. مذاکرات این کمسیون در سال ۱۲۵۹ ه‍.ق آغاز شد و پس از ۱۸ جلسه و بیش از سه سال، به دلیل اختلافات عمیق، توافقی بر سر مرزها حاصل نشد. سرانجام، در ۱۲۶۳ ه‍.ق دومین عهدنامه ارزروم بین محمدشاه قاجار و سلطان عبدالحمید عثمانی به امضا رسید. این معاهده مناطق مورد اختلاف را تقسیم کرد و عثمانی حق کشتیرانی ایران در آروندرد را به رسمیت شناخت.

توان آفندی ایران در این مذاکرات نقش کلیدی در جلوگیری از به ثمر نشستن خواسته‌های مطلق دولت عثمانی و جلوگیری از یک جنگ شدید علیه ایران را داشت. ضعف عثمانی در این دوره، به دلیل مشکلات داخلی مانند شورش‌های مصری و

دنیای

آخرین گمانه‌زنی از تحرکات دیپلماتیک عراقچی در نیویورک

راند جدید مذاکره با بدعهدها

مسعود پزشکیان، روز گذشته سه‌شنبه ۱ مهر ۱۴۰۴ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵) با چمدانی از پرونده‌های حساس دیپلماتیک عازم نیویورک شد تا در هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سکنا دیپلماسی ایران را در یک لحظه تاریخی به دست بگیرد. سخنرانی اصلی او در صحن سازمان ملل، عصر امروز (چهارشنبه حوالی ساعت ۱۷ به وقت ایران) فرصتی برای بیان مواضع قاطع ایران در برابر تجاوز اخیر اسرائیل و آمریکا و تأکید بر منافع ملی است. از سوی دیگر نباید از تحرکات دیپلماتیک پشت‌پرده و در حاشیه این نشست غافل شد. ایندجاست که نقش وزیر امور خارجه، سیدعباس عراقچی، پررنگ‌تر از همیشه می‌شود. او که پیش از رئیس‌جمهور و در روز دوشنبه وارد نیویورک شده، مذاکرات فشرده‌ای را برای جلوگیری از فعال‌شدن مکانیسم «اسنپ‌ک» و بازگشت تحریم‌ها آغاز کرده است. برخی گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن است که ایران یک نقشه‌راه دیپلماتیک برای حل بن‌بست هسته‌ای ارائه کرده، اما همچنان باید عهده‌ای‌های همیشگی غرب و فشارهای پشت‌پرده‌ای رویه‌رو است که آینده این مذاکرات را درهاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. این دور از گفت‌وگوها، آخرین شانس برای جلوگیری از یک تقابل تمام‌عیار است و تهران هشدار داده که فعال‌شدن مکانیسم ماشه به معنای پایان همه چیز است. رویدادهای پیش رو در نیویورک، وزن رسانه‌ای چشمگیری خواهند داشت و دستگاه دیپلماسی به‌وظایف خود عمل خواهد کرد تا امید به حل چالش‌ها زنده بماند؛ اما نباید سابقه غرب در تنش‌زایی و عدم پایبندی به تعهدات را از یاد برد.

رایزنی‌های فشرده در سازمان ملل

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با امداد دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۴ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵) وارد نیویورک شد تا در هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت کند. حضور زودهنگام عراقچی به‌عنوان هدایتگر ماشین دیپلماسی در مسیر سنگلاخی دولت چهاردهم، اهمیت مذاکرات حاشیه‌ای این رویداد را تشدید می‌کند. مذاکرات اصلی و حاشیه‌ای عراقچی در طول این سفر دیپلماتیک زمینه‌ساز تحولات مهمی در روابط ایران با غرب هستند. با این حال نمی‌توان از حضور تیم ایرانی در نیویورک انتظار معجزه‌آفرینی داشت.

عراقچی در بدو ورود اعلام کرد که ایران از تریبون مجمع عمومی برای بیان مواضع خود دفاع از حقوق مردم استفاده خواهد کرد. عراقچی با اشاره به هشتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل و تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، بر اهمیت این نشست برای تبیین مواضع بر حق ایران در دفاع ۱۲ روزه با اقتدار و مقاومت تأکید کرد. او همچنین بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و ماهیت صلح‌طلب کشور،